

ناصرالدین شاه در طول زندگی اش ۸۵ زن داشت و یک "ببری خان".

نمی دانیم که آن ۸۵ نفر چقدر نزد شاه مقرب بودند ولی ببری خان آنقدر محبوب این پادشاه بود که به گربه قجری معروف شد و نامش در تاریخ ماندگار شد.

روایت دردانگی این گربه به زمانی بر می گردد که ناصرالدین شاه سخت بیمار بود و تب شدیدی داشت و این گربه هم تازه زایمان کرده و مشغول جا به جایی بچه هایش بوده و از کنار بستر شاه می گذشته که کسی وارد اتاق می شود و در را می بندد. راه خروجی گربه که بسته می شود سرگردان و بلا تکلیف دور بستر شاه می چرخد و پایین پای شاه می ایستد.

یکی از همسران شاه، صاحب گربه از سرچاپلوسی و خود شیرینی این رویداد را نشانه بهبودی شاه عنوان کرده و به او مزه بریده شدن تب را می دهد. از قضا اسپیده دم فردا تب می برد و شاه بهتر می شود. از آن پس گربه می شود محبوب و مقرب درگاه.

پس از مدتی زنان شاه که می دیدند شاه به این گربه بیشتر از آن ها توجه می کند، گربه را می دزدند و در سیاه چالی می اندازند.